■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۴۶ ■ سه‌شنبه ■ ۱۸ خرداد ۱۴۰۰

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

**امام‌حسین(ع):**
از نشانه های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است.
**بحارالانوار،ج۷۸،ص۱۱۹**

## مرضیه برومند: نسل من آرمان‌گرا بود

**«زندگی را باید به زانو درآورد. راه تعالی مملکت ما این است که به لحاظ فرهنگی هم خود را ارتقا دهیم و هم مردم را. در عین حال که برای مردم کار می کنیم نباید در حد کارهای عوامانه سقوط کنیم. من یکی از مؤثرترین دوره‌های زندگی ام در شکل گیری شخصیت فرهنگی و هنری خودم را تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا می دانم. تأکید می کنم هنرهای زیبا و نه هنرهای نمایشی چون در هنرهای زیبا همه بچه‌های معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و تئاتر کنار هم بودند و برخورد و معاشرت بچه‌ها از این رشته‌ها خیلی تحول به وجود آورد و تأثیر خوبی بر ما داشت. همیشه با اعتقاد و با پشتکار کار کردم، سختی کشیدم چون کمال گرا بودم و دنبال چیزی رفتم که فکر کردم باید اتفاق بیفتد. من پای اصولی که داشتم همچنان ایستاده‌ام، چرا که نسل من آرمان داشت و فکر می کنم آنچه امروز بچه‌های ما ندارند، همین آرمان است.»**

بخشی از صحبت‌های این کارگردان و بازیگر ایرانی
که به بهانه تولد او موزه سینما منتشر کرده است

هیچ شادی نیست اندر این جهان
برتر از دیدار روی دوستان
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر
از فراق دوستان پرهنر

رودکی

نـــگاره
پریسا نوراللهی

تاکسی

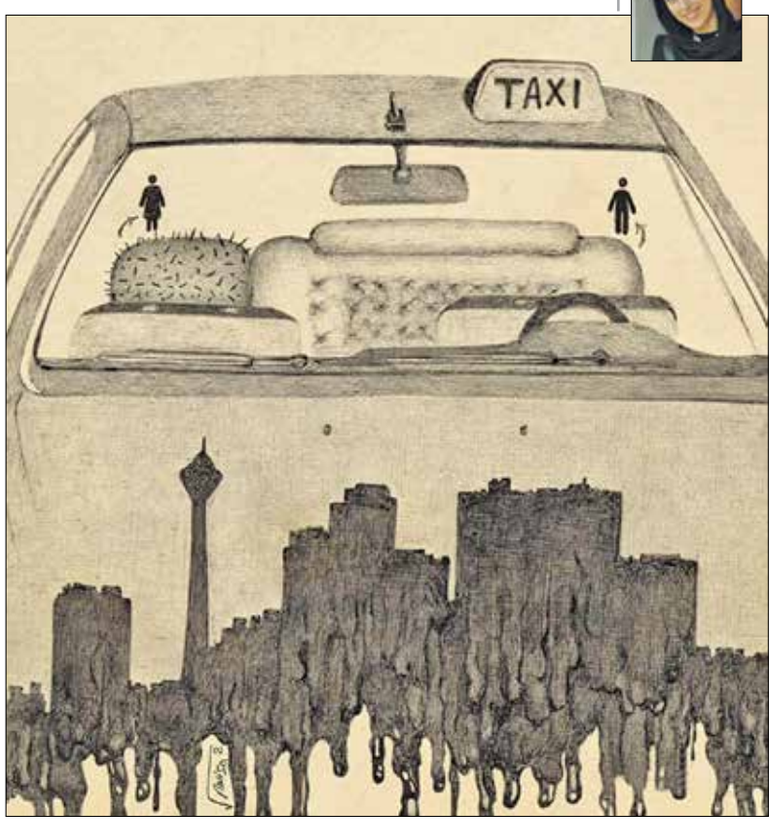


# قصه غریب آمد و گوینده هم

یادداشت

حسین سرفراز
عضو هیات علمی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

تلویزیون همچنان در فرهنگ رسانه‌ای ما، جایگاه مرکزی دارد و نُرم‌های ارتباطی را تعیین می‌کند؛ فرهنگ رسانه‌ای اما ایستا نیست، بلکه پویایی دارد و از مهم‌ترین وجوه آن، نزاع بین رسانه‌هاست. با وجود این، تلویزیون نمی‌خواهد جایگاه مرکزی خود را از دست بدهد. برای نمونه، مدام در برنامه‌های مختلف به نحو خود-ارجاعی نشان مان می‌دهد که تنها رسانه مشروع و معتبر یا شاخص تمییز بین واقعیت و اخبار جعلی، خود او است؛ رسانه‌ای قدرقدرت در نزاع با سایر رسانه‌ها بویژه آنهایی که به لحاظ امکانات، مقولاتی چون «خبر»، «سرگرمی»، «گفت وگو» یا دیالوگ را با انعطاف بالایی ترکیب و به مخاطب عرضه می‌کنند. اگر از این زاویه دید به برگزاری مناظره‌های انتخاباتی در تلویزیون بنگریم چه دریافت می‌کنیم؟

**تلویزیون رسانه‌ای مونولوگ یا تک‌گو است:** ما در برابر تلویزیون صرفاً بیننده و شنونده هستیم. نمودش زمانی است که کاندیدای محترم رو به دوربین با ما مردم سخن می‌گوید و ما را خطاب می‌کند. اما ارتباط فرایندی است دست‌کم میان متکلم و مخاطب؛ به عبارتی مخاطب نیز بخشی از ارتباط است و نمی‌توان نقش آن را به دستگاه گیرنده امواج تقلیل داد.

گزینش فرم مناظره بعنوان یکی از عناصر کلیدی کمپین‌های تبلیغاتی چنان شایع شده، که محل تردیدی باقی نمی‌گذارد. اما انتخاب این فرم در برنامه‌سازی تلویزیون به‌دلیل خصلت مونولوگ بودنش بیش از پیش مسأله‌مند می‌شود. مناظره می‌تواند گفت وگو محور باشد؛ می‌گویم «می‌تواند»، چون مناظره‌ای که ما این روزها در تلویزیون می‌بینیم، همچنان تک گومحور است، حتی آن‌جا که افراد یکدیگر را خطاب می‌کنند، مخاطب به هر دلیلی تصمیم می‌گیرد نه تنها به فرد متکلم نگاه نکند (چینش کاندیداها در استودیو هم یاری‌دهنده است)، بلکه مثلاً باز هم خطاب به ما مردم، با نقش متکلم سخن خود را ادامه دهد. گفت‌وگو خصلت فرهنگ است، اما مناظره بیش از اینکه گواهی بر فرهنگ سیاسی ما، یا دست‌کم بازنمود الگوی مطلوبی از آن باشد، کوششی برای بلند بلند خواندن مانیفست‌هاست و نه برقراری گفت‌وگو میان برنامه‌ها.

زنده بودن پخش مناظره‌ها، از مهم‌ترین پیامدهای مخدوش شدن جایگاه مرکزی تلویزیون است، آن هم در شرایطی که مجری تنها وقت نگهدار است. آیا تنها فاکتور مهم و اثرگذار در معنابخشیِ به مناظره و گفت وگو میان کاندیداها، «زمان» است؟ آیا مثلاً «مکان» مناظره در معنی بخشی و اثرگذاری آن فاقد اهمیت است؟ پیامد پخش زنده پیش از این در سال ۱۳۸۸ دریافت شد. نکته فراتر از مقایسه تاریخی، تلاش رسانه‌های حاشیه یا کوچک برای زیرسؤال بردن اعتبار تلویزیون است. در این موقعیت تلویزیون دست به اعتبارزایی می‌زند و از مصادیق آن، زنده پخش کردن مناظره‌هایی است که بنا به آمار خود تلویزیون، از پرتماشاگرترین برنامه‌های تولیدی است. پیش‌بینی‌ناپذیری جریان پخش زنده، انعطاف و دینامیک جریان تلویزیون را شبیه به رسانه‌های کوچک می‌کند، اما با این همه قرار نیست در رسانه مرکزی، همه چیز غیرقابل پیش‌بینی باشد.

**نقش مجری در مناظره‌ها:** در اولین مناظره‌ای که در این دوره برگزار شد مجری با ماشین چه تفاوتی داشت؟ می‌توانستیم به جای او یک روبات یا کامپیوتر یا تایمر داشته باشیم! فقدان مجری-کارشناس در تلویزیون، فرایند اجرا را به مکانیکی ترین شکل ممکن تبدیل می‌کند، در حالی که از مهم‌ترین خصلت‌های برنامه‌های تلویزیونی به‌طور عام و برنامه مناظره به‌طور خاص، اجرایی بودن اش است. برای لحظه‌ای تصور کنیم اگر مثلاً آقای حیدری نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ جالب این است که پیش از این تصور می‌کردیم اگر جای یک مجری، یک مدیر بنشانیم، می‌توانیم جریان را با اقتدار بیشتری مدیریت کنیم، اما از قضا سرکنگبین صفرا فزود. انتخاب آقای حیدری در غیاب مجری-کارشناس و با ترکیب احتیاط و شجاعت صورت می‌گیرد، اما «اجرا» که ماهیتش «ارتباط» است، در نهایت چیزی می‌شود همچون یک «اتصال». اکنون اگر جای آقای حیدری، کسی یا چه بسا کسانی را می‌نشاندیم که هم به مسأله اشراف دارند و هم به خصلت‌های نمایشی اجرا و طرح سؤال و گرفتن پاسخ... چه می‌شد؟! مجری نمی‌تواند کاندیداها را به چالش بکشد بلکه تنها باید پرسشی را که به او داده می‌شود قرائت می‌کند و این بیش از هر چیز بر غیاب نمایندگی افکار عمومی دلالت دارد. غیاب کسی یا کسانی که مسأله را می‌شناسند و می‌توانند در پاسخی که نامزد انتخاباتی می‌دهد مداخله کرده و حتی سؤال از پیش تعیین شده را تفسیر کنند تا فرایند مکانیکی پرسش و پاسخ را پویایی بخشند. اما اکنون و در مناظره‌های انتخاباتی با این کنش‌ها مواجه نیستیم و این فقدان، در رسانه‌های غیررسمی و حاشیه که دینامیک‌تر هستند و امکان گفت‌وگو را فراهم می‌کنند، تاحدی جبران می‌شود.

## #ایران_بحرین

هشتگ

دیروز هرچه به زمان برگزاری بازی تیم ملی فوتبال ایران و بحرین نزدیک می‌شدیم نوشته‌های فوتبالی در شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شد. خیلی‌ها بازی تلخ ایران و بحرین را در مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ یادآوری می‌کردند و از آرزویشان برای جبران آن بازی می‌نوشتند: «این پوششی‌ترین تیم تاریخ فوتبال جهان است. باخت سخت است، باخت آن تیم دوست داشتنی سخت‌تر و کابوس نرسیدن به جام جهانی سخت‌ترین اما هیچ چیز به سختی این رقص با پرچم دیگری نبود... برای همین رقص است که بردن بحرین همیشه یک «وظیفه» است و لذت آن تا ابد یک «هدیه»»، «آخرین باری که به خاطر فوتبال از ساعت‌ها قبل از بازی، استرس داشتم یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ بود که آرژانتین به آلمان باخت و حذف شد. اون موقع فقط ۲۰ سالم بود. امروز بعد از ۱۵ سال، این بار به‌خاطر بازی ایران - بحرین همچین استرسی اومده سراغم.»، «از بعد کی‌روش دیگه سر بازی‌های تیم ملی توی مقدماتی جام جهانی هم باید استرس بکشیم»، «وقتی ایران در جام جهانی، مراکش را برد و مردم از شادی به خیابان ریختند، توئیت زدند که کی روش ما را به خوشی‌های کوچک عادت داده! حالا همین‌ها به قدرت رسیده‌اند و در رسانه‌هایشان از مردم می‌خواهند برای برد بحرین دعا کنند.»، «بازی بحرین و اوکراین رو دیدم. بحرین خوبه ولی عالی نیست. می‌بریم‌شون.»، «ولی جداً وقتی به این فکر می‌کنم که شخصاً امید بیش‌تری به پیروزی مقابل پرتغال، قهرمان اروپا برای صعود از گروه داشتم تا بردن بحرین و عراق تنم می‌لرزه.»، «بازی مهم تیم ملی فوتبال را با آرامشی خاص در انتظار هستم. کمتر پیش می‌آید بازی‌های مهم اینقدر بدون استرس باشم. احتمال زیاد بازی رو می‌بریم و خوب هم می‌بریم. خلاصه الکی ادای حال بدا رو درنیاید.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

## نگرانی برای واکسن

ماجرا

دیروز هم بحث بر سر کمبود واکسن در شبکه‌های اجتماعی جریان داشت. کاربران خبرها و اظهارنظر پزشکان و متخصصان و مسئولان را درباره این موضوع بازنشر می‌کردند و کسانی که نگران دز دوم واکسن پدر و مادرهایشان بودند از این نگرانی می‌نوشتند: «زنگ زدم ۴۰۳۰ برای واکسن و اینکه چرا گروه سنی جدید رو اعلام نکردن، بپرسم که گفت حقیقتاً واکسنی نیست که بخواهیم گروه جدیدی اعلام کنیم و حتی برای دز دوم هم مشکل داریم! پ.ن: البته که چیز جدیدی نیست و خودمون می‌دونستیم ولی خب دیگه از منابع رسمی هم شنیدم»، «مامان من هم منتظر دز دوم سینوفارم هست و یک هفته از اون تاریخی که بهش گفته بودن گذشته.»، «امروز مادرم مراجعه کرده بودن برای پیگیری تزریق واکسن، ۲ مرکز بهداشت اعلام کرده بودن فعلاً تزریق واکسن برای افراد جدید نداریم. تلاش می‌کنیم با واکسن‌های موجود دز دوم روتأمین کنیم»، «اونجا که ایرانه با هزارجور تحریم. در آلمان نزدیک ۱۰ روزه درست و حسابی واکسن نمی‌زنن، کمبود شدیده واونی هم که هست اصلاً عادلانه توزیع نمی‌شه و با پارتی‌بازی و رابطه است. منطقه ما رسماً اعلام کرده واکسن نیست. نه معذرت‌خواهی، نه ابراز تأسف درست و حسابی، هیچی»، «واکسن نیست وهیچ توضیحی درباره اینکه چرا واکسن نیست و چرا گروه سنی جدید اعلام نمی‌شود و چرا بدتر از همه دز دوم واکسن‌های کرونا تزریق نمی‌شود نیز نمی‌دهند. واکسن نیست و هیچ بهانه‌ای نیز اکنون و پس از این همه زمان برای تهیه واکسن دیگر قابل قبول نیست پس واکسن بخرید و واکسن بسازید.»

## سلوک مرادخانی

ادامه از صفحه اول

درک او از ایران فرهنگی و نقش هنر در ارتقای جایگاه جهانی ایران، از شاخصه‌های ایشان بود. علاوه بر این حضور مستقیم در رویدادها و آمایش واقعی وضعیت هنر شهرستان‌ها از دیگر جلوه‌هایی است که او را در چشم هنرمندان دور و نزدیک عزیزتر می‌داشت. ایفای مسئولیت در حوزه موسیقی در دو دهه ابتدای انقلاب با توجه به کثرت نظرات و حساسیت‌ها در این حوزه، کاری دشوار بود که علی مرادخانی با همه حساسیت‌ها و محدودیت‌ها، از پس آن برآمد. یکی دیگر از ویژگی‌های او این بود که با تغییرات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در جامعه - به ویژه جامعه هنری - همراه بود و سعی در تعامل فی‌مابین هنرمندان و نهادهای اداری و سیاسی کشور داشت. مرادخانی قائل به عنصر گفت‌وگو برای رفع شبهه و ابهام با کسانی بود که انتقادهایی را به وضع تئاتر و موسیقی داشتند؛ او به واقع مدیری فرهنگی بود که با ابزار گفت‌وگو و توضیح راهگشایی می‌کرد و نه شیوه‌های سلبی و بازدارنده.

تلاش ارزنده او در احیای ارکسترهای موسیقی، تأسیس موزه موسیقی و حمایت در خرید ملک برای موزه تئاتر و پیگیری برای درج روز ملی هنرهای نمایشی در تقویم نشان‌دهنده باور او به نهادسازی فرهنگی بود؛ مرادخانی نشان داد که هنر نیازمند بنیاد و نهاد برای استمرار تجارب بین نسلی هنرمندان و نقطه وصل آنهاست.

ارتقای هنر دینی و طراحی رویدادهای آبرومند آیینی، منبعث از خاستگاه خانوادگی و آگاهی دینی مرحوم مرادخانی بود که خود از قاریان قرآن و مرثیه‌سرایان خدوم عاشورا به شمار می‌آمد. حسن خلق او یکی از بارزترین صفات او در مواجهه با افراد بود و پیوسته با الهام از آیهٔ مبارکهٔ «والف بین قلوبهم» اسباب همدلی و مصاحبت هنرمندان و مدیران فرهنگی را فراهم می‌کرد و به گشایشگری در امور اداری و احوالات هنرمندان به ویژه هنرمندان پیشکسوت اهتمام می‌ورزید. در این سال‌ها آیین افطار فرهنگی او در موزه موسیقی مؤید این صاحبدلی و دوراندیشی است.

اکنون که او به دیار باقی و به دیدار حضرت حق شتافته است، به تلخی و تأثر، غیابش را به امید استمرار منش نیکویش تاب می‌آوریم و برایش و برای همه غایبان هنر، آمرزش طلب می‌نمایم.

## تراژدی علی انصاریان

سایه روشن

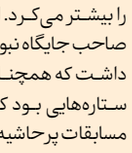

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

از آن بعد از ظهر غمگین نیمه بهمن ماه که خبر درگذشت علی انصاریان، فضای مجازی و رسانه‌های رسمی را پر کرد، زمان زیادی نگذشته است. در روزهایی که پشت سر گذاشتیم حجم غم و اندوه آنقدر زیاد بود که حزن پشت حزن آمد. با این همه، داغ فوتبالیست سابق و بازیگر خوش‌اخلاق و خنده‌رو از دل‌ها پاک نشده است. انصاریان ستاره‌ای بود که مثل پژمان جمشیدی از دنیای فوتبال به سینما آمد و بر خلاف او، به سرعت مورد توجه قرار

نگرفت. در اجرا، موفق‌تر از بازیگری بود. راحتی و صمیمی بودنش مقابل دوربین، از او شخصیتی جذاب می‌ساخت که بسیاری دوستش داشتند. بخش‌هایی از برنامه‌هایش در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شد و شهرت و محبوبیتش را بیشتر می‌کرد. انصاریان به عنوان بازیگر، هنوز صاحب جایگاه نبود، اما شخصیتش آنقدر جذابیت داشت که همچنان در کانون توجه باشد. او از آن ستاره‌هایی بود که دور شدن از زمین فوتبال و مسابقات پرحاشیه و جنجالی، نه تنها از محبوبیتش نکاست، بلکه نشان داد مهم نیست در چه زمینی بازی می‌کند، شخصیتش بر فعالیت‌هایش سایه می‌افکند و او را خبرساز می‌کرد.

انصاریان امید داشت در بازیگری پیشرفت کند و دیده شود، به حضورش در «رمانتیسم عماد و طوبی» (کاوه صباغ‌زاده) ایمان داشت و با انتخاب‌هایش تلاش می‌کرد به معیارهای یک بازیگر حرفه‌ای نزدیک شود. بیش از یک دهه در بازیگری دوام آورد و در آخرین سال زندگی‌اش در هفت فیلم مقابل دوربین رفت. در سریال «سرزده» (بهادر اسدی) و در نقش رضا نایب، حضوری قابل قبول داشت و می‌شد امیدوار بود که به مرور در بازیگری پخته‌تر شود. اما سرنوشت، چیز دیگری می‌خواست، کرونا ناباورانه او را شکست داد و مرگ تلخ او و مهرداد میناوند به یکی از شوم‌ترین اتفاق‌های سال گذشته تبدیل شد که نه فقط جامعه ورزش، که سینماگران و بسیاری از ایرانیان را غمگین کرد.

حالا که انصاریان به سفری بی‌بازگشت رفته فیلم «کولبر» (میلاد منصوری) جایزه بهترین بازیگر مرد از جشنواره بلغارستان را به دست آورده است. جشنواره بلغارستان، چندان شناخته شده نیست اما انصاریان، حالا به آرزویش رسیده و جایزه‌ای برای بازیگری دریافت کرده است. از سویی دیگر، اکران افتتاحیه مجموعه فیلم‌های کوتاه منتخب هنر و تجربه با عنوان «هفت»، به او تقدیم شده است. سینمای حرفه‌ای او را پذیرفته است و یادش را گرامی می‌دارد. گویی تراژدی زندگی او و پایان ناباورانه‌اش ادامه دارد. مرگ زودهنگام انصاریان که سرشار از شور و زندگی بود، هنوز بهت‌آور و دردناک است و خبر جایزه بازیگری، این غم تازه را تازه‌تر کرد. ستاره عاصی و محبوب سال‌های دور، ستاره‌ای که عمرش در آسمان سینما کوتاه بود، در قلب‌ها باقی مانده است. عشق او به بازیگری، بالاخره راهش را باز کرده و حیات حرفه‌ای او در سینما، پس از مرگ ادامه یافته است. روحش شاد.

## کاریکاتور در ایام کرونا هم رونق دارد

یادداشت

احمد عربانی
کاریکاتوریست پیشکسوت

در ابتدا باید بگویم که کاریکاتور برخلاف دیگر کارهای هنری یک کار انفرادی است و کاریکاتوریست‌ها در هر شرایطی می‌توانند کار کنند و تولید محتوا کنند. من در دوران کرونا به محل کارم نرفتم، اما این موضوع باعث نشد که کارم تعطیل شود. باید بگویم که در این ایام در خانه طراحی‌های بسیاری روی کاغذ کشیدم، سوژه انتخاب کردم و در نهایت روی کاغذ اجرا کردم. آنهایی هم که با لپ تاپ کاریکاتور طراحی می‌کنند، در این ایام هم می‌توانستند در خانه کار کنند. مهم اندیشه است که باید در ذهن باشد در این صورت نیاز به حضور فیزیکی در بیرون خانه نبوده و نیست. گواه این حرف را می‌توان در فعالیت بسیاری از هنرمندان در ایام کرونا دید. به عنوان مثال بسیاری از همکارانم حتی نمایشگاه فیزیکی در همین ایام اپیدمی برگزار کردند و مخاطبان هم به شکل فیزیکی از نمایشگاه دیدن کردند و حتی بسیاری از همین طریق آثاری را خریداری کردند.

می‌خواهم بگویم که شکل رسانه و کارکرد آن متفاوت شده است، هم اکنون بیشتر رسانه‌ها به علت گرانی کاغذ، نشریات مجازی شده‌اند و به شکل فیزیکی حضوری کم‌رنگ دارند. به همین دلیل می‌توان کارکردی متفاوت از وسایلی در نظر داشت که پیشتر از آن به شکل سنتی استفاده می‌کردیم. به عنوان مثال در این شرایط من در صفحه اینستاگرامم آثارم را منتشر کردم و مردم هم می‌بینند. بنابراین کاریکاتور در شرایط کرونا متوقف نشد بلکه به شکل دیگری منتشر و در اختیار مخاطبان قرار گرفت. اما در بررسی شرایط اقتصادی هنرمندان این حوزه باید بگویم که اوضاع هنرمندان کاریکاتوریست زیاد با قبل از کرونا فرقی نکرده است. کاریکاتور قبل از کرونا هم از نظر اقتصادی در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. در ۲۰ سال پیش که فضای مجازی نبود و نشریات بی شماری مثل گل آقا، طنز و کاریکاتور و خط خطی منتشر می‌شد، اوضاع کار کاریکاتوریست‌ها از نظر اقتصادی خوب بود. روزنامه‌ها هم ستون طنز و هم کاریکاتور ثابت داشتند. من در روزنامه شهروند کاریکاتور می‌کشیدم، دوستان دیگر در نشریات دیگر مشغول به کار بودند، از سوی دیگر علاوه برکار ثابت نشریات دیگر هم به من یا دوستان و همکارانم سفارش کار می‌دادند. اما رفته رفته سوژه‌ها کم اهمیت و دم دستی شدند و فضای سانسور هم بیشتر شد، در نتیجه کارها افت کرد و دیگر کاریکاتورها مثل زمان گل آقا که مخاطبان از دیدنش لذت می‌بردند و حرف دل‌شان را در کاریکاتور می‌دیدند، نبود.

اما نکته دیگری که دوست دارم آن را مطرح کنم، این است که دستمزد کاریکاتوریست‌ها خیلی کم است. کاریکاتوریست‌ها خیلی فداکار هستند که با این شرایط کار می‌کنند. به همین دلیل است که می‌گویم زندگی یک کاریکاتوریست همیشه در دوران کرونا بوده و هست، با این حال امیدوارم شرایط همه از جمله کاریکاتوریست‌ها بهتر شود.

## یک نمایش خوش رنگ و لعاب و مفهومی

پیشنهاد

امید انصاری
کارگردان

فیلم تئاترها امکان تماشای نمایش را در این شرایط برای بچه‌هایی که عادت کرده‌اند همه کارهایشان را با استفاده از فضای مجازی انجام دهند، فراهم می‌کند. نمایشی به نام «دنیای شگفت‌انگیز اکو و تاکو» کارگردانی کردم که کاملاً متناسب با همین شرایط است. نمایشی درباره حفاظت از محیط زیست و به وجود آمدن درخت و طبیعت. این نمایش با توجه به شرایطی که اکنون داریم به لحاظ فضاسازی به شکلی اجرا شده که مناسب تماشا در فضای مجازی و از طریق گوشی هوشمند و تبلت و تلویزیون باشد و در مدت زمان کوتاه هم اجرا شده تا چشم بچه‌ها آسیب نبیند.

«دنیای شگفت‌انگیز اکو و تاکو» با تکنیک‌های تصویر و مدیا و بازیگر عروسک اجرا شده و کاملاً مفهومی است. این نمایش کاملاً بدون دیالوگ است و حتی راوی هم ندارد. در واقع ما لقمه آماده را به کودک ندادیم و بچه‌ها باید ماجراهای نمایش را کشف کنند و با افکار و جمع‌بندی خودشان به نتیجه برسند. همین ویژگی باعث می‌شود به صورت گذری نمایش را نبینند و کامل آن را دنبال کنند تا مفهومش را درک کنند. با تماشای چنین نمایش‌هایی که همه چیز در آن برای بچه‌ها آماده نیست، قدرت تفکرشان تقویت می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه تصاویر زیاد و رنگ و لعاب خوب دارد به لحاظ بصری بچه‌ها را جذب می‌کند. «دنیای شگفت انگیز اکو و تاکو» یک ویژگی دیگر هم دارد و آن ترکیب سایه با نمایش است. تکنیکی که برای بچه‌ها بسیار جذاب است و تأثیر مثبتی بر آنها دارد. بچه‌ها با دیدن این نمایش‌ها یاد می‌گیرند چطور خودشان در خانه سایه بازی کنند.

- دنیای شگفت انگیز اکو و تاکو
- کارگردان: امید انصاری
- نویسنده: شیما شادمانی
- بازیگران: هوتن آزادی، نرگس صفامنش، راشین رضایی، آرزو صدری، عرفان فروتن، زهره قاسمی، میثم میثاقی و نوا یوسف زاده
- امکان تماشا در: تیوال

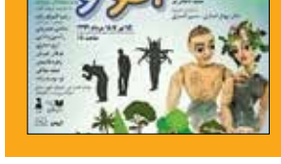


عکس نوشت

**مرکز «ژرژ پمپیدو» در پاریس این روزها در نمایشگاه «عباس کیارستمی، راه‌های آزادی» میزبان آثاری از فیلمساز جهانی ایران است.**
**در بخشی از این نمایشگاه با نام «دوست ما، کیارستمی، کجاست؟» عکس‌هایی از دردهایی که کیارستمی در مدت بیست سال ثبت کرده، اشعاری از کیارستمی با دست خط خود او، سکانس‌های تدوین شده‌ای از فیلم‌های او که در ماشین می‌گذرند و روبه‌روی ماشینی، شبیه به ماشین‌های کیارستمی پخش می‌شود و آثار گرافیکی کیارستمی به نمایش درآمده است.**